

استقبال دولت افغانستان

از افزایش نیروهای امریکایی

«ریختن قطره آب بر سنگ آتشین»

وزارت دفاع افغانستان از تصمیم امریکا به بررسی طرحی برای اعزام سربازان بیشتر به این کشور استقبال کرده است

این استقبال در حالی صورت میگیرد که، اوضاع افغانستان با موجودیت « ۴۱۰۰۰ » سرباز قوای ناتو رو به وخامت میرود و از لحاظ امنیتی اوضاع کشور روز به روز وخیم تر شده میرود.

افغانستان در سال « ۲۰۰۷ »، روزهای سختی را پشت سر گذاشت. در تأمین امنیت هیچ گونه پیشرفتی حاصل نشد و آزادیها نیز محدودتر شدند. طالبان بر دامنه عملیات خود افزودند و موضوع مفید بودن نیروهای خارجی در تأمین صلح و امنیت سوال های بیشتری را برانگیخت.

چند کشور خارجی از جمله امریکا مسؤولیت آموزش و تجهیز نیروهای داخلی افغانستان را بر عهده دارند و براساس گفته های وزارت دفاع افغانستان، انتظار می رود در سال جاری میلادی « ۲۰۰۸ » این موضوع مورد توجه بیشتری قرار گیرد و تجهیزات بیشتری برای نیروهای داخلی افغانستان ارسال شود. مقامات دولت افغانستان از اعزام سربازان بیشتر به این کشور استقبال می کنند اما تأکید نمایند که تأمین امنیت دراز مدت در افغانستان و دفاع از خاک کشور، در گرو تجهیز و آموزش نیروهای داخلی - پلیس و قوت های نظامی - افغانستان است.

در حال حاضر تربیت پلیس افغانستان به دست اتحادیه اروپا است و این اتحادیه « ۱۹۵ » متخصص از « ۲۵ » کشور اروپایی را برای تربیت پلیس به افغانستان اعزام کرده است. از این تعداد فقط دو نفر در ماه دسامبر به قندوز رسیده اند. درحالیکه هیچ کدام شان حتی وسیله برای گشت و گذار در شهر نداشتند. نماینده پارلمان اروپا (آندره بری) در مورد فعالیت این متخصصان می گوید: «تصمیم ها خیلی فوری گرفته شدند و نیروها اعزام گشتند، اما هیچ برنامه قبلی برای فعالیت این افراد اصلاً وجود نداشت. نی امکانات مالی وجود داشت و نی پرسونل لازم در اختیار این افراد قرار گرفته بود، تا آنها بتوانند کارشان را آغاز کنند. درحالیکه وضع پلیس افغانستان یکی از مهم ترین مشکلات این سرزمین شده است. پلیس اینکشور بنا بر مشکلات اقتصادی، با فساد مالی روبروست، بسیاری از پلیس ها خود عضو باند های خلاف کار اند و ضمناً سطح سواد و آموزش بسیاری از ماموران پلیس بسیار پائین است.»

در سال « ۲۰۰۷ » در بسیاری نقاط کشور ماموران پلیس که از عدم پرداخت حقوق شان ناراضی بودند، با سلاح های خود به نیروهای طالبان پیوستند. حامد کرزی، رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، خود اظهار نمود که: نتوانسته امنیت را در سراسر کشور برقرار کند: «هنوز هم در افغانستان بعضی مناطق وجود دارند که در آنها دولت مرکزی قادر به کنترل اوضاع نیست و نمی تواند قوانین را به اجرا درآورد.»

چندی قبل وزیر دفاع آلمان گفت که: دولت افغانستان شش سال پس از سرنگونی طالبان قدرتی ندارد تا بتواند امنیت و صلح را در کشور حفظ کند. شمار پرسنل موجود در اردو و پلیس این کشور به حدی نیست که از عهده چنین مسؤولیت بزرگی بدرآیند. اردو و پلیس افغانستان آن قدر ضعیف است که حتی کمک « ۴۱ » هزار نظامی ناتو نیز نتوانسته به استقرار امنیت، فقط در پایتخت کشور، کابل، بیانجامد. وقتی در کابل وضع چنین است، بحث بر سر محلات دیگر کشور بیهوده است، محلاتی که در جنوب و شرق کشور واقع اند و بیشتر زیر نظر طالبان قرار دارند.

« ۴۵۰ » سربازان آلمانی که در سمت شمال افغانستان در ولایت قندوز جا به جا هستند نظر به عدم توانمندی اجازه خروج از قرارگاه را ندارند! (این سربازان بخشی

از «۳۵۰۰» نظامیانی هستند که دولت آلمان برای بازسازی افغانستان در اختیار سازمان ملل متحد قرار داده است. نظامیان آلمانی نیز مجبورند از ترس حملات طالبان فقط با تانگ و زره پوش در شهر «۱۰۰» هزار نفری قندوز به گردش بپردازند.

بسیاری از متخصصین نظامی امور افغانستان این سوال را مطرح می کنند که چرا در چنین شرایطی نیروهای جهانی به این کشور اعزام شده اند، و تا کی باید این نیروها در افغانستان باقی بمانند؟ چهار سال پیش افسر آلمانی برنهارد گرتس، رئیس اتحادیه نظامیان آلمانی، در همین مورد گفت: **«من قبل از هر سوالی می پرسم،**

وقتی سازمان ملل متحد، نیروهای نظامی امریکا و ناتو هنوز نتوانسته اند قدرت دولت مرکزی را از کابل به دیگر نقاط افغانستان توسعه دهند، وجود سربازان آلمانی در این کشور به چه کار می آید؟ در چنین شرایطی نمی توان صلح را در

افغانستان مستقر کرد.» سخنان افسر آلمانی برنهارد گرتس هنوز هم معتبر است. او امروز هم، شش سال پس از سرنگونی طالبان، به عدم توسعه قدرت دولت مرکزی انتقاد می کند. برنهارد گرتس چندی پیش گفت که: قوت های نظامی افغانستان در بهترین حالت خود دارای «۱۶» هزار سرباز است. این در حالیست که این ارتش باید حد اقل «۷۰» هزار سرباز داشته باشد تا بتواند در مقابل نیروهای دشمن ایستاده گی کند. او همچنین با صراحت کامل اعلام کرد که از فعالیت نیروهای آلمانی نیز در تربیت پلیس این کشور ناراضی است: (اعزام «۴۰» متخصص برای تربیت پلیس افغانستان، برای کشوری که دوبرابر وسعت آلمان را دارد و در آن هیچ اثری از امنیت دیده نمی شود، مثل ریختن قطره آب است بر سنگ آتشین است. **اگر دولت آلمان**

واقعا خواستار تأمین امنیت در افغانستان است و اگر می خواهیم خود افغان ها مسؤولیت تأمین امنیت کشورشان را به عهده بگیرند، باید دولت آلمان فعال تر برخورد کند و نیروهای بیشتری به این کشور اعزام کند.)

سازمان ملل متحد اعلام کرده است که: سال «۲۰۰۷» میلادی خونین ترین سال از زمان سقوط طالبان بوده است. بیش از «۱۰۰» سوء قصد انتحاری فقط در ده ماه اول سال رخ داد. آمار رسمی شمار کشتگان درگیریها و سوء قصدهای انتحاری را در این

مدت « ۵۱۰۰ » نفر اعلام کرده اند که از این تعداد « ۶۰۰ » نفرشان نظامی بوده اند. این در حالیست که متخصصین شمار واقعی کشته شده گان را بسیار بیشتر از این میزان می دانند. اما همین ارقام رسمی نشاندهنده آن است که در سال «۲۰۰۶» در افغانستان در برخورد های گوناگون «۳۳۰۰» نفر کشته شده اند ، یعنی «۱۸۰۰» نفر یا « ۳۰ » درصد کشته شده گان کمتر به تناسب سال « ۲۰۰۷ » میلادی.

امریکا هم اکنون «۲۶۰۰۰» نیروی نظامی در افغانستان دارد که نیمی از آن در مجموعه آیساف (نیروهای بین المللی کمک به امنیت) تحت فرمان ناتو خدمت می کنند.

جف مورل، سخنگوی پنتاگون گفت که: پیشنهاد اعزام سرباز جدید به افغانستان تسلیم رابرت گیتس، وزیر دفاع امریکا خواهد شد اما انتظار نمی رود فوراً درباره آن تصمیم گرفته شود.

اما طالبان: طالبان در سال «۲۰۰۷» نیز از طریق سرحدات غیرقابل کنترل پاکستان و افغانستان، حملات خود را بالای اردو و پلیس افغانستان و نیروهای ایساف تشدید نموده اند. به گفته یکی از قوماندانان طالبان : «کافران با عملیات نظامی و سوءقصدهای انتحاری، یا کشته و یا از کشور رانده خواهند شد.» طالبان در سال ۲۰۰۷ می خواستند ثابت کنند که حرکت طالبان شکست ناپذیراست، حرکتی که حتی بزرگترین قدرت نظامی جهان را ، که دیگر کشورهای غربی نیز به کمک وی شتافتند، شکست خواهند داد.

متخصصین بر این نظراند که دولت افغانستان بر بیشترین ولایات کشور حاکمیت ندارد و قدرتش به تدریج رو به کاهش است. مرکز تحقیقاتی «Senlis Council» که دفترش در لندن قرار دارد، اعلام کردند که: در حال حاضر طالبان در سراسر کشور حضور دارند و آماده حملات انتحاری اند. طالبان در جنوب و شرق کشور قدرت کامل را در دست دارند، منطقه ای که ۴۰ درصد خاک این کشور را شامل می شود.

پخش و نشر کتاب و مطبوعات هم در سال « ۲۰۰۷ » با مشکلاتی بیشتری مواجه بود خانم سیما ثمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، رویدادهای افغانستان در سال «۲۰۰۷» میلادی را فاجعه بار می داند: «سال ۲۰۰۷ سالی بود با شمار بسیار زیاد کشته و بسیاری از این کشته شده گان مردمان عادی بودند که در اثر حملات نیروهای دولتی یا مخالفان آنها کشته شدند. در این سال هم چنین حملات به مطبوعات و محدود کردن آزادی آنها هم چنان ادامه یافت.»

قرار بود سال « ۲۰۰۷ » در افغانستان سال استقرار قانون باشد. حامد کرزی، قول های بسیاری در این مورد داده بود و گفته بود که در این سال «۲۰۰۷» امنیت پایدار در کشور برقرار خواهد شد و حقوق شهروندان رعایت می گردد، اشک های مادران داغ دیده به تبسم عوض میگردد (که متأسفانه هیچیک آن جامه عمل نپوشید). وی دلیل افزایش بحران را در کنار عامل اصلی طالبان، مجاهدان و جنگ سالاران سابق می داند که اکنون مدت هاست قانوناً فعالیت می کنند و در کابینه هم حضور دارند. **او همکاری با آنها را تنها راه نجات افغانستان می داند:** «ما هیچ راه دیگری نداریم، بجز همکاری با این نیروها. آنها نیروهای پر قدرتی هستند و نمی توان آنها را نادیده گرفت. اگر آنها را پس بزنیم، بار دیگر جنگ داخلی آغاز می شود.» متأسفانه خود آقای کرزی نیز یکی از جهادیان است!

گردانندگان رژیم اسلامی (جهادیان و نیروهای غربی) می خواستند در سال «۲۰۰۷» میلادی کاری کنند که اعتماد باشنده گان کشور ما را به قانون، دولت و نهادهای دولتی جلب نمایند. در حالیکه درآمد متوسط ماهانه مردم کمتر از «۱۰۰» دالر است و کمتر از «۴۰» درصد مردم این کشور دسترسی به آب آشامیدنی دارند.

بتاریخ «۱۳ جنوری» وزیر دفاع انگلستان (براون) طی مصاحبه با روزنامه مردم « The People » (که با اعزام قوت های نظامی انگلستان به افغانستان مخالف اند) اظهار نمود که: «قوت های نظامی کشور انگلستان سالهای متمادی در افغانستان باقی خواهند ماند... و اضافه کرد که: بریتانیا نمی تواند این ریسک را متقبل شود که افغانستان بار دیگر به گفته او به اردوگاه آموزشی تروریست ها تبدیل شود.» در

حال حاضر حدود هشت هزار سرباز بریتانیایی در افغانستان حضور دارند و به ویژه در ولایت جنوبی هلمند برعلیه طالبان می‌جنگند می‌کنند.

هفته نامه «مردم» در ادامه گزارش خود به مصارف این جنگ برای مردم عادی بریتانیا اشاره کرده است و می‌نویسد که: با چنین مبلغی می‌توان در بریتانیا «۵۸» بیمارستان که دارای «۴۱۸» تخت خواب با تجهیزات کامل باشد ساخت و اگر این پول در افغانستان مصرف نشود می‌توان با آن «۲۴۵۰۰» پرستار یا «۱۳۰۰۰» داکتر استخدام کرد.

این نشریه همچنین خبر می‌دهد که مخالفان جنگ در بریتانیا قصد دارند در ماه مارچ سال «۲۰۰۸» در انگلستان دست به راهپیمایی گسترده بزنند.

منابع استفاده شده:

- سایت خبری بی بی سی جنوری ۲۰۰۷

- دوجویلی بخش فارسی جنوری ۲۰۰۷

10022008

www.ayenda.org